

اتحاد بزرگ

میزان، رای ملت است

امام خمینی

شماره ۲۳ پنجشنبه ۵ مه ۱۳۵۸

نغمه های شوم استعمار در خلیج فارس

بررسی دقیق در کردستان باید جایگزین تعصب شود

انقلابی دارد. مسلمانان نمیتوانند انکار کرد که عوامل وابسته به بیگانه و ماجراجویان حرفه ای در آتش افروزی کردستان نقشی نداشته اند ولی آیا نمیتوانستیم از اعمال خرابکارانه آنها یادآورندیشی جلوگیری کنیم؟ جواب روشن است زیرا اگر شناختی واقعی نسبت به خواستها، پاره فرهنگ ها و سنن مناطق مختلف کشور در دست داشتیم چنین رویداد های غم انگیز و تاسف آوری شاهد نبودیم و نخواهیم بود.

سخن در باره ظلم و ستم رژیم گذشته در کردستان بسیار رفته است و همه آگاهیم که مأموران آریامبری در مقابل درخواستهای به حق مردم کردستان چه ذخیانه دست به یورش و سرکوب آنها زدند و هنوز آثار شکنجه بر بدن بسیاری از دلاوران کرد باقی است.

بدنبال قیام مردم علیه رژیم استبدادی برادران رنج دیده ما هم سهم بسزایی در بقیه در صفحه ۲

به مخالفت پرداختند. از سوی دیگر گزارشهایی مبنی بر حضور شش هزار تنگدار دریائی آمریکا در بحرین منتشر شد و این به هنگامی است که مقامهای رسمی آمریکا اعلام کردند مشغول بررسی طرحی برای آماده سازی یک نیروی ضربتی صد هزار نفری در منطقه خاورمیانه می باشند تا بتوانند منافع خود را در خلیج فارس حفظ کنند. عراق نیز بلافاصله نماینده ویژه ای برای مذاکره درباره اوضاع خلیج فارس و منطقه رهسپار کشورهای کویت و بحرین کرد. عربستان سعودی هم وارد معرکه شد و پرنس سعود آل فیصل وزیر امور

تمام حرکت های سیاسی در خلیج فارس، در پی سفر های نمایندگان دولت های امپریالیستی بوجود آمد

مانور دریائی ایران پاسخ دندان شکنی به وابستگان استعمار است

ناظران سیاسی پس از اعلام طرح عمان برای حفاظت از تنگه هرمز تاکید کردند که قاهره به درخواست عمان جواب مثبت داده است.

بدنبال این درخواست نماینده ویژه ای از مسقط برای مذاکره پیرامون طرح دفاعی عمان راهی کشورهای خلیج فارس شد. عمان در این طرح خواستار تشکیل یک نیروی مشترک دفاعی متشکل از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، انگلستان، آمریکا و آلمان فدرال شده است.

عراق، کویت و بحرین تحت این عنوان که نیروهای خارجی حق دخالت در حوزه خلیج فارس را ندارند با این طرح

نمایش غرور ملی در جشن افسران ژاندارمری و شهربانی

نخست وزیر به این افسران داده شد در این مراسم برخلاف سالهای گذشته هیچکدام از افسران جوان برای دریافت جایزه خود تعظیم نکردند و دست کسی را نبوسیدند و برعکس نخست وزیر هنگام سان دیدن در انتهای هر واحد به نشانه احترام سر فرود می آورد.

تعظیم نکردن و نبوسیدن دست، لیکن نهایت احترام نظامی گذاشتن به نخست وزیر و منظور محکم سلام نظامی دادن و سپس گردش بچپ و کوبیدن پای و حرکت را نشانه های حفظ غرور بداندیم و این امید را داشته باشیم هنگامی که یک افسر برای سان دیدن در انتهای هر واحد به نشانه احترام سر فرود می آورد.

بقیه در صفحه ۲

توسعه هنر ناراضی تراشی

باز خرید کارمندان با تجربه، سیاست تازه انقلابی!!

فرزندانان دیوار های شهر را آذین بستیم و مسلسل ها را از کار انداختیم، سر و سر انجام اورا که گمان می برد ابدیت یافته و دوین تن گردیده آسمان حقیر و آبرویاخته از مین راندیم و نامردی را که دست بر کمر می زد، با در غیب می الکند و زمین وزمان را به سخریه می گرفت اشک های زبونی اش را تماش کردیم.

وقتی چنین معجزه ای را رقم زدیم ماکه همه ی بدبختی ها تیره روزی ها، ناگامی ها و ستم ها را از حضور آن مملعون می دانستیم، بقیه در صفحه ۳

به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران و اعلام این نکته که ایران قصد ندارد مانند رژیم گذشته نقش زاندام آمریکا را در خلیج فارس همچنان ایفا کند حرکت های سیاسی مختلفی به آرامی در منطقه به جریان افتاد.

به تدریج این حرکت ها بصورت علنی درآمد و تبدیل به جبهه بندیهای تازه سیاسی شد.

ابتدا عمان که خلاء نیروهای نظامی ایران در آن کشور وحشت فراوانی به وجود آورده بود از مصر برای مقابله با شورشیان ظفار کمک نظامی خواست و هر چند که گزارش رسمی در مورد پاسخ مصر منتشر نشده است ولی بسیاری از

سرخنی با آموزشگران

معلم واقعی و انسان دوست و متکی به منطق آموزش گفتگو شنودی برای رسیدن به تفاهم و همکاری و دانش محیطی سرشار از اعتقاد و محبت از همان روز نخست آشنائی می گویند قدرت اقتصادی دانش آموزان را فرزونی بخشد تا از این راه پاکهک آنها موجب «انسان شدن» همه جانبه فراهم گردد.

چنین معلمی اعتقادی عمیق به قدرت سازندگی دانش آموزان دارد و رابطه های بر اساس علاقه دوجانبه بر محیط کار او حکم فرماست.

تجویز کننده نیست. رام کننده نیز نمی باشد. در فرایند یادگیری از فرزندانش مدد می طلبد و در حقیقت اساس قدرت و تسلط خویش را بر بنیاد دوستی و تفاهم و تقسیم مسئولیت می نهد و هرگز به اعمال نفوذ نمی اندیشد. و از تزلزل قدرتش بیمناک نیست.

در یک چنین نظامی دیگر تنها معلم تدوین کننده، دانشای مطابق، برنامه ریز، متکلم وحده قاضی بی چوچورا نمی باشد و در برابر، شاگردش نیز فراگیر- ناسدان، مجری، مطیع، تطبیق دهنده ی خویش با عمل معلم نیست و مغز او تنها مغز سپرده های معلم و انبار معلومات نخواهد بود.

کلاس درس از تحرك و زندگی برخوردار خواهد بود و دیگر آموزشگر مسوری استثنائی و حاشیه ای بردستان های خارج از جامعه نیست.

معلم بگونه ی نظام دهنده فرایندها یا جریان هایی که قبلا بطور خود بخود رخ داده اند نیست. و همان را به صورت یک واقعیت انفعالی نمی نگرد.

فراغوش نگنیم که ویژگی اصلی زندگی رشد و توسعه انسان در یک ساختار منظم با کاربرد انسان است اما انسان بسی تحرك عاشق چیزهایی است که رشد نمی کند، آنچه را که مکایکی است می پرستد و قصد دارد آنچه را که روح و زندگی دارد به

آزادی بدون برابری اجتماعی!!

اگر محدودیت آزادی، به صورت متنوعیت استفاده افراد از حقوق اجتماعی و فردی در آید، همه، برنامه های رفاهی با شکست رو بر خواهد شد

محدودیت آزادی برای حفظ امتیازات طبقه ی حاکمه و ترسیدن مردم به حقوق مشروع خود با یکدیگر تفاوت فاحش دارد. در این معیار های تجربی و نظرات علمی در جهان، وجود دارد که می توان به دو اصل خلاصه کرد.

۱- کلیه برنامه های اجتماعی و اقتصادی و دستگاه های اداره کننده و اجرا کننده

محدودیت آزادی در عصر ما در سطح برنامه های ملی فقط در صورتی مشروع است که در جهت برابری های اجتماعی و اقتصادی باشد.

آزادی بدون وجود برابری های اجتماعی، یعنی بدون تقسیم و توزیع عادلانه امکانات و فرصت های زندگی برای اکثریت جامعه میسر نیست. اساسا بدون استقرار این برابری ها انسان هرگز به آزادی واقعی و تفکر منطقی و نیاد های طبیعی نخواهد رسید. به این جهت اگر محدودیت آزادی، به صورت ممنوعیت استفاده افراد از حقوق اجتماعی و فردی در آید، در آن صورت است که هر برنامه اقتصادی به حکم طبیعت پیدایش خود، به شکست منتهی می گردد. در حال محدودیت آزادی به خاطر ترسیدن به برابری های اجتماعی و اقتصادی بسا

قدرت دولت

امام خمینی دولت را مورد اعتماد خود خواند و هرگونه عزل و نصب خارج از دولت را هم از نخست وزیر خواست.

با این ترتیب بهانه مراکز متعدد تصمیم گیری مرتفع می شود و هر سازمانی را که از دولت پیروی نکند و یا گامی خلاف مسیر دولت بردارد می توان اصلاح کرده و مدیریت تازه برای آنها انتخاب کرد. اختیار کنترل مجدد واحدهای مختلف که از حیث اختیار دولت خارج شده بود این نوید را همراه دارد که علاوه بر دولت مردم هم از نحوه کار سازمانهای مختلفی که پس از انقلاب ایجاد شده است آگاه می شوند و با یک ارزیابی دقیق میزان کارائی آنها و اینکه در آینده تا چه حد می توانند به جامعه خدمت دهند مشخص خواهد شد.

یکی از سازمانهایی که همپای واحدای دولتی توسعه یافته و هر چند دارای کارمند زیاد نیست لیکن سرمایه بسیار و امکانات فراوان دارد، بنیاد مستضعفان است که بنیاد مسکن انقلاب اسلامی هم مردم را برای دریافت خانه یا کسب اطلاع به این سازمان حواله داده است.

بنیاد مستضعفان که با مصادره اموال و دارائی های بسیاری از سرسپردگان رژیم سابق، اعم از کسانی که محاکمه و محکوم شده اند یا هنوز به کار آنها رسیدگی نشده است، دارای تسهیلات و نیروی عظیم است و هنوز دوران سکوت را طی می کند و از اقداماتی که تاکنون کرده هیچکس اطلاعی ندارد.

از دیگر واحدهایی که پس از انقلاب در مسیر ویژه راه می پیماید اتاق بازرگانی است که کارنامه فعالیت آن پس از انقلاب و در دورانی که نیاز به گسترش فعالیت های بازرگانی بوده است نزد مردم نامشخص است.

خوب است دولت که با قدرتی بیشتر امور واحدهای خارج از محدوده قبلی اختیارات خود را بدست گرفته است مسرمد را در جریان فعالیت های این سازمانها قرار دهد که در صورت جواب مثبت، به شایعات هم پایان داده خواهد شد.

مجریان قانون دستور کدام فرد یا سازمان را می پذیرند

در حال حاضر و در چند روز گذشته همه از هم می پرسیدند که چگونه دادگاههای انقلاب فرمان امام خمینی را فراموش کرده اند و یا از ذهن خود دور نگاه داشته اند که کسانی را که مرتکب قتل نشده اند و وسیله قتل دیگران را هم فراهم نکردند تیر- باران می کنند.

مردم از خود می پرسند - چون براساس مردم شناخته شده هستند، بارها اعتراف کرده است که مراکز تصمیم گیری متعدد است و در مورد بعضی واحد ها گفته است که نمی تواند هیچگونه دخالتی در امور آنها داشته باشد.

مردم که دردها در سینه دارند می خواهند با شورای انقلاب در میان گذارند که صد افسوس هنگامی اعضای این شورا را می- شناسند که در این دنیا دسترس به آنها میسر نیست و تنها ناله امید مردم به شخص رهبر انقلاب است که بارها هنگامی که مردم از مسائلی که روی داده است ناراحت و هیجان زده شده اند بخوبی وبا تصمیمی قاطع و اعلام آن رضایتی در میان مردم پدید آورده است.

مارادابو احتیاج!

ابلاغ نگردیده است. در میان اخراج شدگان گروهی از افراد متخصص در امر رادیو تلویزیون که بهر حال هزینه های سنگینی برای تربیت آنها مصرف شده است وجود دارد و این عده هم نمی دانند که علت برگزینی آنها چیست.

جایگزینی متخصصانی که نقشی در تقویت رژیم گذشته ندارند با تازه واردانی که می باید سالها وقت و بودجه صرف تعلیم آنها شود جای بحث بسیار دارد.

رادیو تلویزیون گروهی از کارکنان را تحت عنوان مازاد بر احتیاج در اختیار کارگزینی گذاشت و در همین حال تعدادی کارمند با چهره های تازه استخدام و بکار گمارده شده اند. در میان اشخاصی که بر کنار شده اند تعدادی از کارکنان مبارز این سازمان که نقش موثری در سازماندهی اعتصاب در زمان رژیم دیکتاتوری داشته اند هم قرار دارند.

در حال حاضر جرم کارکنانی که از کار برکنار شده اند مشخص و یا حداقل

نیرنگ برای حفظ نظام سرمایه داری

شورا بگونه يك سازمان كارگري تكميل کننده نهادسنديکائی، بايد مورد بررسی قرار گیرد

توانه جانشین مدیریت گردد. مدیریت مساله ایست و شورا و منافع کارگران و دلالان از آن در حد شورا یا سندیکاهای دیگر و در هر حال بستگی دارد به اینکه مالکیت صنعتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی و مالکیت برصنعت بطور کلی بر چه پایه ای قرار میگیرد؟ آتوقوت میشود تصمیم نهایی را اتخاذ کرد و معلوم شود که در چنان وضعی کدام يك از این نهادها اصل و دیگری فرع برآن خواهد بود.

وزیر کار و امور اجتماعی در پایان گفت: توجه داشته باشید حتی در شوراهائی که دارای مالکیت صنعتی دولتی هستند سندیکاهائی آزاد وجود می داشت مثل وجود احزاب آزاد مانع توانیتر میشود. و جاری احزاب سندیکائی آن رژیم هائی را که دارای مالکیت صنعتی دولتی هستند می گرفت باین ترتیب این مسائل باید در فرصت کافی بررسی شود و اگر ما نخواهیم با مفاهم بازی کنیم و از آن بگذریم هرگز دشواری غای اجتماع در حل نخواهیم کرد.

گفته شد مزد زیاد تووم ایجاد میکند. این افسانه باطل را چه کسی عنوان کرده است نمیدانم؟! مزد زیاد تووم ایجاد نمیکند افزایش حجم و مسائل پرداخت ایجاد تووم

پرداخت سهم جامعه «بیت المال» بین نیروی کار که در آن فعالیت دست داشته اند تقسیم میگردد. پس خیلی سریع و روشن جمهوری اسلامی پذیرفته که اصالت با کار ارزش اضافی و سود فقط متعلق به کار است ولی برای نوسازی و برای جامعه يك سهمی را گرفته ولی هنگام تقسیم در جمله پائین تر ببینید چگونه تقسیم میکند «دولت اسلامی ایران بتواند منافع عوام و دریافت کننده سهم جامعه از فعالیت های اقتصادی و منظور تشویق عوام به خرده سرمایه گذاری قسمتی از سهم جامعه را بعنوان سود برای سرمایه گذار اختصاص میدهد»

باین ترتیب این حالت وجود دارد که داریم زیر پوشش تعالیم اسلامی میرویم که زیر پوشش گذشته تالیفهائی بگذاریم و مسلما همانطور که گفتم انقلاب اسلامی ملت ایران تنها برای استقلال و آزادی نبود، مسائل دیگری را هم بعنوان نیاز اجتماعی لازم می دانست حل و فصل و به آن پاسخ داده شود. در مساله سندیکاهای تساهلی هم اینگونه مسائل حل نشده است يك تصمیم گیری نهائی درست میسر نیست و همانطور که گفته شد این نهاد شکل های متفاوت دارد. توجه داشته باشید ما سندیکای کارگاهی داریم سندیکای حرفه ای داریم. در کارگاههای آهنگری و نقاشی که دارای يك یا دو چند کارگر آنهم فصلی و موقتی است یا کارگاههای نایمسازی، چگونه می توانیم شوری کارگری تشکیل دهیم؟ در چنین حرفه هائی که هم کارگاه هم کارگر برانگیز هستند هرگز نمیتوانند در قلمرو حاکمیت يك شورا قرار گیرند پس باین نتیجه می رسیم که اگر در يك بخش هم بشود شورا را جانشین سندیکاهای کرد، در تمام بخش ها نمیشود. ولی سیاست وزارت

که تا مدتی دارای اقتصاد مختلط خواهیم بود و احتمالا گسترشی هم در امر تعاونی ها بوجود خواهیم آورد باین ترتیب ما از يك مقطع، سیاست خودمان را شروع کردیم و نتیجه گرفتیم که وظیفه ما هدایت کارها است در جهت تعمیم حداقل معیشت برای همه گروه های اجتماعی محروم که عده ترین آنها را کارگران تشکیل میدهند و اگر بتوانیم در برنامه کوتاه مدت هم نسبت به آینده و ایجاد حس اعتماد در این گروه های محروم، اقدام خواهیم کرد.

وزیر کار سپس در پاسخ ستوانی که در زمینه سازمان های کارگری و شوراها کارگری مطرح شده بود گفت: نخست آنکه وزارت کار و امور اجتماعی بهیچ عنوان و هرگز نظام شورائی را حتی در کارخانه ها نفسی نکرده است و این يك موضوع گیری سیاسی است که بدست و زبان کسانی افتاده است. دوم اینکه سندیکاهای فرعی بر وجود جدیه است که به عنوان مدافع طبقات وجود دارند و با تعارف از گوشه آن نمیتوان گذشت من بخشی از گزارش مقدماتی در تعیین سیاست های اقتصادی اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران را برایتان میخوانم تا ببینید چه شکل بازی با کلمات و تعارف انقلاب اسلامی ایران از مسیر ضد استعماری اش دور میشود اینجا وقتی بخش دولتی میگذرانند عرف همیشگی را برای اینکه ظاهر درستی به آن بدهند از میان برده اند و در برابرش بخش مردمی گذارده اند، و گمان میکنم به بخش خصوصی عنوان بخش مردمی دادن همه زیانبارانی را که ممکن است داشته باشد، همه استثماری را که ممکن است انجام دهد از میان نمی برد. من جمله ای را در باره مالکیت و مدیریت برای شما بازگو میکنم تا ببینید وقتی می

داربوش فروهر وزیر کار و امور اجتماعی در جلسه صبح پنجشنبه بیست و نهم شهریور در سمینار بررسی سیاست های اقتصادی اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، در زمینه سیاست کلی وزارت کار و امور اجتماعی با اشاره به مسائل کنترل بیکاری به امید ایجاد فرصت های اشتغال در حداکثر نیاز کشور اشتغال اتباع بیگانه سیاست حساس در دستمزد تنظیم روابط کار - برنامه های رفاهی کارگران - آموزش حرفه ای - بیمه های اجتماعی - سازمان های کارگری و طرح دو موضوع اساسی یعنی سیاست تعیین حداقل دستمزد از سوی شورای عالی کار و سازمان های کارگری چنین گفت:

پیش از اینکه این مسائل به بحث گذارده شود بطور خلاصه میگویم که انقلاب اسلامی ملت ایران دارای ویژگی های بود و خواست های ذات استقلال ملی و کلیه وجهش استقلال سیاسی استقلال اجتماعی اقتصادی، فرهنگی و تامین آزادی های فردی و اجتماعی که بشک استقلال بسود از تامین آزادی های فردی و اجتماعی مردم پایدار نخواهد ماند بالاخره پایان بهره کشی فرد از فرد و استثمار، اینها مسائلی بود که از بررسی حرکت های انقلابی و شعاری هائی که در میان آن داده میشد نمیتوانستیم نتیجه گیری کنیم و از استثمار جمهوری اسلامی هم گمانی که به آن رای داده اند گمان نمیکنم هر سه را بطور کامل توقع داشتند و چنین ظرفیتی را برای جمهوری اسلامی قائل بودند که این خواست ها را برآورده، در زمینه هائی که بالاخص به این گروه های مردمی مربوط میشود و به اقتصاد نیز ارتباط پیدا میکند و آن پایان دادن به استثمار است. باید که ناگزیر پذیریم، نواخت واحدی مورد قبول دست اندکاران مبارزات پیش از انقلاب کار بدست حکومت نبوده است.

فروهر سپس گفت: پیش بینی میشد بعلمت این نبود نواخت واحدی در اقتصاد آینده ایران همچنانکه در گزارش که از سوی سازمان برنامه و بودجه به سمینار داده شد باید از يك اقتصاد مختلط دست کم تا تعویق قانون اساسی که حدود مالکیت، حدود مالکیت صنعتی، شکل زمین داری و مانند اینها روشن شود، بهره گرفت و گرنه آن تغییر لازم در روابط اقتصادی داده نشده است. در آغاز انقلاب سیاستی که در وزارت کار پیش گرفته شده بود بر این مینا بود

فروهر سبسی گفت: پیش بینی میشد بعلمت این نبود نواخت واحدی در اقتصاد آینده ایران همچنانکه در گزارش که از سوی سازمان برنامه و بودجه به سمینار داده شد باید از يك اقتصاد مختلط دست کم تا تعویق قانون اساسی که حدود مالکیت، حدود مالکیت صنعتی، شکل زمین داری و مانند اینها روشن شود، بهره گرفت و گرنه آن تغییر لازم در روابط اقتصادی داده نشده است. در آغاز انقلاب سیاستی که در وزارت کار پیش گرفته شده بود بر این مینا بود

بقیه از صلحه اول دریافته جایزه خود و یا تنها در يك معرفی ناگزیر نباشد تا هم قدر کم گندو دست کسی را ببوسد، این امر مقام خود را در اجتماع می یابد و می داند که تنها يك فرد نیست که برای او همه کار انجام شود و هر فرد جایزه هدیه و یا سان بینه سبیلی است از يك کشور، کشوری که او یعنی افسر، درجه دار و یا سربراز برای بعضی انتظامات داخلی و یا محافظت مرز ها باید تا سرحد جان بکوشد. دیگر نیاز نیست که تمامی افسران، درجه داران و سربرازان يك پادگان بزرگ هفته ها بطور منظم ایستاده و هورا بکشند تا اسب شاه همراهم با سوچی شاه از مقابل آنها عبور کند تا در مراسم اصلی که انجام می شود اسب «م» نکند. شاید برای کسانی که خود مجبور و موظف به انجام این کار نبوده اند باوری سخت داشته باشد که چگونه غرور یک انسان، انسانی که تنها باید از غرور خود کمسک چوید تا بتواند در وظیفه اش موفق شود با اینکار لطمه می دید. افسران که کوچکترین دخالت يك کشور خارجی در نقاط مرزی خود را باید توجیهی بزرگ به مقدسات خود تصور کنند و برای بیرون راندن قوای خارجی با تمام قوا بکوشند و سپس سر بلند به کاشانه خود وزند افراد فامیل برگردند، چگونه پس از عته ها هورا کشیدن برای اسب شاه می توانستند چنین غروری را حفظ کنند. و نزد همکاران خود حرمتی داشته باشند.

با آنکه چو حاکم بر محیط و بویژه در ارتش بسیار خلفان آور بود هیچکدام از افسران و درجه داران از اینکار خرسند نبودند و ناراضی تخی خود را بعنوان ابهامی مختلف ابراز می داشتند.

وجود سندیکاهای آزاد همانند وجود حزبها مانع توانیتر است

کار بهیچ وجه رد کردن شورا نیست. وزارت کار دقیقاً در خط انقلاب اسلامی ملت ایران و همه بنیادهای فکری این انقلاب است و به همه شوراها هم دقیقاً سرمایه سپارد ولی شورا بگونه يك سازمان کارگری تکمیل کننده نهاد سندیکائی باید مورد بررسی قرار گیرد

بطور کلی حد وظیفه شورا باید روشن شود و این است که باید گفت شورائی

افزایش حجم و وسایل پرداخت موجود پرداخت تووم است نه مزد زیاد

که میگفت سزای گران فروش نخریدن است در اقتصاد مابه عکس شده بود. و سزای از آن فروش نخریدن بود مشتری های از آن فروش توده های فقیر و زحمتکش بودند که قدرت خرید نداشتند مشتری گران فروش سرمایه دارها بودند که قدرت خرید نداشتند وقتی مغازه ای در شمال شیر بازمی شد بر میزد و زرق و برق، صاحب آن قوری پولدار میشد و آن مغازه ای که جنس را در متعارف می فروخت پولدار نمیشد، بنابراین برای کنترل قیمت ها به ناچار میباید تساهلی فرستاده شده به بازار را احساس کرد که در برابر افزایش قیمت ها عکس عمل نشان بدهد و تضاضای حماس در بازار آن تضاضائی است که متکی بر دستمزد است و نه متکی بر سود. چمول درآمد ملی را میگذاریم.

پیش رویان، چند در صندش را به هشانه مژدها رسانیدیم؟ کمتر از ده درصد، در حالی که توزیع مزد در کشور ۱۰۰۰ روزمه است. بنابراین این بی نظمی که در نظام قیمت ها و مژدها وجود داشته است باعث این بوده که يك اقتصاد نا عالم داشته ایم. سرمایه داری که درگیر خود بود، و اعلان کرده که نمی تواند کارش را ادامه دهد. وقتی مجموعه ترانزاهه سود و زیان او را

می یابیم مگر موقعیکه حداقل دستمزد نیست تووم بود و اگر کارگری اعتراض میکرد زانه از برای کاروانسرا سنگ چلوی او سبز می شد مگر در آن موقع که اراضی دور افتاده با گذشت ۱۲ ساعت چند برابر می شد یا وقتی آقای حسامی میران در بانک مرکزی پشتوانه طلای مملکت را از چپسل در صند عرض دو سال به سه درصد رساند، تووم ایجاد می شد؟ خیر افزایش مزد کارگر تووم نبود نمی آورد.

هر کتابی اقتصادی را باز کنید نوشته است تووم نتیجه افزایش حجم و وسایل پرداخت است در کدام کتاب آمده افزایش دستمزد تووم ایجاد میکند؟ حجم و وسایل پرداخت را باید کنترل کرد بر هر گروم روی مسئله دیگر یعنی دستمزدها، نکته ای آی مولوی فرمودند که خیلی صحیح بود میباید حجم پرداخت ها متناسب با درآمد و تولید ملی باشد این کاملاً صحیح است؟ بدترین شوراهائی که در مرحله صنعتی شدن قرار گرفته اند روی ۸۰ درصد به شاخه مزد سرازیر میشود در این صورت است که تووم مهاب میشود اشتباه عامی را که عهد داشتند تصحیح کنیم برای کنترل قیمت ها تنها راه عبادت است از کم کردن میزان سود و

برخی از خواسته ها که از سوی مسئولان انقلابی غیر موجه به نظر میرسد با آنها به مذاکره بنشینیم

آنچنان که باید جدی گرفته نشد و در چنین شرایطی عوامل مغرب دست به کار شدند و با استفاده از احساسات پاک مردم ستم کشیده این بی توجیبی مسئولان را بهانه قرار دادند و گردستان عزیز را به آتش کشیدند. در این میان اعمال روش های تشبییه گروهی روحانی و عوامل دست نشانده ساواک تحت اوای دروغین اسلام و پاسداران انقلابی آتش را شعله ورتر کردند. نمونه این اعمال قتل عام ننگین در دهکده قارنه است عده ای ناشناس در نزدیکی قارنه دست به کشتار عده ای از برادران جانباخته پاسدار زدند و در برابر این عمل گروهی بنام پاسدار قارنه به دوستی قارنه حمله ور شدند و بطرزی فجیع ۶۸ روستائی از زن و کودک و مرد را قتل عام کردند.

چگونگی این عمل ننگین میان مردم منطقه پراکنده شد گروهی خشه بگین و گروهی اندهوگین شدند زیرا زمانی که مملکت نیاز به وحدت تمام مردم انقلابی ایران دارد این برادر کسی را چگونه می توان توجه کرد.

پس از آنکه ارتش در پی فرمان بسیج عمومی امام وارد عمل شد تا حدودی توانست آرامش را به منطقه بازگرداند ولی زندگی بحالت عادی باز نگشت.

بررسی دقیق در گردستان

بقیه از صلحه اول پیروزی انقلاب و برجیدن رژیم دیکتاتوری داشته اند. پس در مقایسه با دیگر هموطنان با توجه به آنچه بر گردستان رفته است آنها بعد از پیروزی انقلاب خواستهای بیشتری دارند. زیرا آنچه را که رژیم گذشته با همه نقصان ها در نقاط مختلف کشور انجام داد در گردستان از آن ابا داشت.

زیرا برادران دلاور ما سالیان متمادی در نابل رژیم دیکتاتوری سرسبز داشتند و بسیاری از جوانان غیورمان را در این راه از دست دادیم، زندهائی نبود که در آن کرد در کنار دیگر مبارزان جای نداشته باشد اگر بعلمت سانسور و اختناق حاکم بر فضای مین ما مردم عادی از آن بی اطلاع بودیم حتما مسئولان انقلابی که برخی از آنها مدت زمانی را در سلولهای ساواک بسر بردند این حقیقت را خوب میدان دارند.

در آن دوره اختناق که کمتر کسی جرأت مقابله مسلحانه با عوامل رژیم گذشته را داشت برادران دلاور گردان که کاشانه و زندگیشان سنگر های گوهستان بود سقف خانه شان آسمان ایران زمین و با تمامی اعمال خشنی که برای سرکوبی آنها صورت می گرفت همچنان با بهره رانه برای نابودی آن رژیم جنگیدند.

پس بر چه شدن نظام سلطنتی برای برادران و خواهران کرد بیش از سایر مردم شادی آور بود و آنها پس از روی کار آمدن دولت انقلابی فرصت را برای طرح درخواست های به حق خود غنیمت دانستند. هنگامیکه پیش نویس قانون اساسی مطرح شد مردم گردستان هم نظرات و خواست های خود را طرح کردند که بسیاری از آنها به حق بود ولی می توانستیم در مورد

بگذاریم جلوی حقیقت روشن می شود (بطور مثال) کارخانه ای است و بهره ای که بابت پول می برد از دولت تمام سرمایه وام است و بیش از سرمایه وام گرفته است یعنی تمام پولی را که وام گرفته است به کارخانه نیاورده است، یک بخش را بیرون برده و حالا وامی را سرویس می کند که اصلا به کارخانه نیاورده است بهره ای سرمایه به کارخانه نیاورده را می دهد. نتیجه آن اینکه بهره پول در کارخانه های ما بطور متوسط از مزد بیشتر است؟ مگر میشد بهره بیشتر وزن داد تا به مزد. نکته ای دیگر اینکه آقایان سخاوی و احمدزاده مخالفت خودشان را در ابهام گذاشتند و گفتند که با اصل حقوق مخالفتی نداریم اما سطوح بعدیش ابهام دارد، ما دوتا مسئله داریم یکی نظم اقتصادی مملکت است. کاهتاء می گذد میزانی از تولید ملی به مزد تخصیص داده شود دوم اینکه مدیریت اقتصاد میکند

که تنظیم مزد در کارگاه از ضوابطی بیرونی کند، این ضوابط را کشورهای پیشرفته صنعتی ایجاد کرده اند و حتی روس ها هم که در اول کار آنها قبول نداشتند حالا قبول کردند.

طبقه بندی مشاغل يك امر پذیرفته شده است میباید مشاغل را بر حسب پیچیدگی، مسئولیت میزان تجربه، گزارش انجام کار، میزان دانش مورد نیاز طبقه بندی کنیم طایع کاری که سخت تر، پیچیده تر است و... آن کار بیشتر مزد بدهند، کاری که ساده تر هست کمتر مزد بدهند نتیجه این است که در داخل کارگاه باید مجموعه مبلغی که به عنوان مزد داده میشود به يك نسبت بین سطوح مختلف کار تقسیم شود، ممکن است که به این نسبت اعتراض باشد، يك حرف فنی است و تکنیکی باید عده ای متخصص طبقه بندی مشاغل بروند به کارخانه و رسیدگی کنند که مژدی که به این سطوح شغلی تعلق گرفته است درست بوده است یا خیر؟ و اگر نه نظم طبقاتی آنها بهم بزند اصلاً بطور کلی این حرف قابل تردید نیست که میباید بر اساس پیچیدگی و سرعت مشاغل و بر اساس سختیابی توانی میان دستمزد ها وجود داشته باشد.

برگزیده سخنان ز نوزی نماینده کارگران در سمینار بررسی مسائل اقتصادی

داده شایعه ها به منطقه اعزام شوند گرچه حاکم شرع گردستان اعلام کرده است که عکس های منتشر شده حقیقی نیست و با استفاده از فن مونتاز بصورت تحریف آمیزی درآمد است ولی همچنانکه در تخصص اهل فن است بر احوالی میتوان حقیقت ماجرا را انبات کرد.

زیرا در شرایط کنونی و در راز اعلام عفو عمومی امام بازم احکام اعدام پس از تحقیق و بازجویی چند ساعته فردی با سبوت تمام صادر شده است و گزارشهای رسیده به تهران حکمی است که نگرانی بر مردم گردستان که فراماست و در حالیکه گفته می شود ارتش براوضاع مسلطاست هنوز بسیاری از مغازه ها همچنان بسته است و مادرانی که فرزندان در گوهستانها بسر میبرند و قصد بازگشت بخانه دارند نگرانند.

این بر مسئولان انقلابی است که برای جلوگیری از تشدید بحران در گردستان فکر اساسی کنند و عوامل تحریک کننده را از منطقه خارج کنند.

برخی از خواسته ها که از سوی مسئولان انقلابی غیر موجه به نظر میرسد با آنها به مذاکره بنشینیم

آنچنان که باید جدی گرفته نشد و در چنین شرایطی عوامل مغرب دست به کار شدند و با استفاده از احساسات پاک مردم ستم کشیده این بی توجیبی مسئولان را بهانه قرار دادند و گردستان عزیز را به آتش کشیدند. در این میان اعمال روش های تشبییه گروهی روحانی و عوامل دست نشانده ساواک تحت اوای دروغین اسلام و پاسداران انقلابی آتش را شعله ورتر کردند. نمونه این اعمال قتل عام ننگین در دهکده قارنه است عده ای ناشناس در نزدیکی قارنه دست به کشتار عده ای از برادران جانباخته پاسدار زدند و در برابر این عمل گروهی بنام پاسدار قارنه به دوستی قارنه حمله ور شدند و بطرزی فجیع ۶۸ روستائی از زن و کودک و مرد را قتل عام کردند.

چگونگی این عمل ننگین میان مردم منطقه پراکنده شد گروهی خشه بگین و گروهی اندهوگین شدند زیرا زمانی که مملکت نیاز به وحدت تمام مردم انقلابی ایران دارد این برادر کسی را چگونه می توان توجه کرد.

پس از آنکه ارتش در پی فرمان بسیج عمومی امام وارد عمل شد تا حدودی توانست آرامش را به منطقه بازگرداند ولی زندگی بحالت عادی باز نگشت.

پس بر چه شدن نظام سلطنتی برای برادران و خواهران کرد بیش از سایر مردم شادی آور بود و آنها پس از روی کار آمدن دولت انقلابی فرصت را برای طرح درخواست های به حق خود غنیمت دانستند. هنگامیکه پیش نویس قانون اساسی مطرح شد مردم گردستان هم نظرات و خواست های خود را طرح کردند که بسیاری از آنها به حق بود ولی می توانستیم در مورد

در بین دست‌اندرکاران حکومتی که راحت غنوده‌اند... دست اندکاران حکومت، راحت نان حرام یادگار...

...این سرفصل شروع مطلبی بود که از سینه صاحب‌دردی بگونه مطلبی کوتاه اما پر معنا و صفحه اول هفته‌نامه شماره ۳۳ مورخ پنجشنبه بیست و نهم شهریور اقتصاد بزرگ به چاپ رسیده بود و به انگیزه صاحب و هم‌درد بودن وادام ساختن به کنکاش پرداختن تا یکی از سه مقامی را که بانوی محترم از آن باشا در عامل بیکاری همسرشان نام برده بودند بشناسم ودریابم که واقعا و براسستی مسئول کیست و مهار این غول بیکاری که می‌رود خدای ناخواسته و بی‌افراق... پایه‌های استوار انقلابی بزرگ را به لرزه آورد چه شخص و یا چه سازمانی است.

نگارنده انگشت برنام نخست‌وزیر گذارد به تحقیق پرداختن، به آنچه که از سالیهای درس در دانشگاه و مطالعات خارج از کتب درسی و به آنچه که از حاصل سالها تجربه به آموخته بودم، عقلم را بدین جا رساند که از نظر سازمان اداری مملکت، نخست‌وزیر مقامی است در حد هیات‌کذا کننده هدفا و وظایف و خدماتی که باید وزارتخانه‌ها و سازمانها زیر نفوذش بعنوان برنامه و سرورس خدمت بجایمه بدهد که در مجموع میتوان بهمین خاطر شاید نخست‌وزیر یا نخست‌وزیری را مسئول عارضه بیکاری نیندازیم در حالیکه از سوی دیگر می‌دانیم نخست‌وزیر و وزراء در هر مورد از امور مملکتی دارای مسئولیت مشترک‌اند.

به راستی مسوول کیست...؟

کار برداشت وام با ایجاد زمینه‌های لازم امکانات اشتغال را فراهم میکردند امروز مملکت نگران بحران بیکاری نبود. عجیب است در حالی‌که نخست‌وزیر مملکت در هر فرصت و در گفتارهای ۱۵ روز یکبار خویش‌اینه نگران آینده‌صنعت و بیکاری کارگران است وزارتخانه‌های مسئول در اندیشه چاره نیستند. بیایم به اینسه ساختمانها و آبارتوانهای تهیه تمام نگاه کنیم. بیایم به اینسه چاه‌ها و راهبای نیمه‌تمام نگاه کنیم بهینسه چگونه میتوان با حرکت بخشیدن باین بخش از فعالیتها عمرانی صدها هزار کارگر بیکار را بکار بازگردانیم بسیاری از پروژه‌های بزرگ عمومی که به زعم دولتمردان حکومت‌تغیر ضروری تشخیص داده شد از گردش کار خارج گردید و این در حالی است که در بعضی موارد تا شصت درصد کار خاتمه یافته است و اگر پایان نپذیرد با اینسه آهن و بتون چه کنیم؟ آیا میتوانیم ساختمان یک نیروگاه را به بهیادمانی آنهم در کویر و منطقه غیر مسکونی مبدل سازیم؟

در بسیاری از نوشته‌های روزنامه‌ها و در بخش‌هایی از برنامه‌های رادیو مساله بیکاری بخصوص در بخش ساختمان که خود بخشی اشتغال را برای صدها واحد وابسته دیگر است مطالب و تفسیرهای بسیار دیده و شنیده میشود و درست‌است که هشتاد درصد کارگران بیکار ما را کارگران ساختمانی تشکیل میدهند آیا براسستی وزارت مسکن و شهرسازی دیگر برنامه‌هایش پایان پذیرفته دیگر هیچ طرحی نخواهد داشت؟! آیا شب - داری‌ها دیگر نیازی به احداث خوابانی تازه در شهرها ندارند، توسعه مابور دیگر نخواهد بود؟! آیا وزارت پست و تلگراف و تلفن برنامه توسعه فعالیتها پستی و مخابراتی در شهرها ندارد؟! آیا برنامه گازرسانی و انتقال گاز به شهرها از طریق خط لوله پایان پذیرفته آیا وزارت راه قصد ندارد با ایجاد راهبای ارتباطی درجه دو و سه مناطق تولید محصولات کشاورزی را به بازار مصرف شهرها متصل سازد، یا با توسعه نیازی به ایجاد کارخانه و یا با توسعه کارخانه‌های موجود که از فشار استمارصنعت مونتاژ و وابسته رهایی بیایم وزارت صنایع برنامه‌های ندارد؟

اگر چنین است که بیایم بیکاره بر در ورودی این سازمانها و وزارتخانه‌های لاکی بگذاریم که حکایت از تعطیل آن کند واز تعدادی از کارگران بیکار ساختمانی هم برای مدتی مدد گیریم تا دروین تاسیسات عظیم دولتی را که حکایت از دیوان سالاری حکومت میکند حضاری بلند بگذارند و خیال

عده را راحت کنند باین‌جا که رسیدیم به یاد مام سومی اقدام که خانم نگارنده دردمند نامی از آن برد وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه بر این نام سازمان چند لحظه خیره ماند. دیدم این سازمان عریض و طویل با اینسه کساردناسان و کاردان و برنامه‌ریز، با داشتن دستگاههای عظیم کمپیوتر و مرکز انفورماتیک و آمارک تنظیم‌کننده و توزیع‌کننده اعتبارات بیسن وزارتخانه‌ها و سازمانهای وابسته بدولت است چرت‌شوند مژزمو تروه‌گورانبخاست که ناستودی مانده... سازمانی که در گذشته هفتادان دور یعنی تا ماههای مشابه در سال قبل کوه اعتبار از شکاف سوزن توزیع خارج میشد...

سازمی که باعتبار وچسودی‌اس نخست‌وزیر مملکت اجازه داشت در یک نشست هیات وزیران سرمایه ایجاد شپرد کش را تامین کند. صد میلیون هزینه مسافرت اشرف را به خارج در اختیار نخواست وزیر بگذارد تا با یک تصویب‌نامه بصورت ارز دولتی از بیت‌المال ملت به زانو حواله سود سارمائی که در توزیع هزینه‌های دولتی

انقلابی عمل کردن در امساک نامعقول و بی توجهی نیست

بدولتها اجازه میداد کارت و چنگال و سرویس غذاخوری طلا برای ولیعهد و وابستان درباری از خارج بخرد و بایروداخذ هزینه همکار و بیمه و باربری به قصر طاغوت ارزانی دارد سازمانی که در تخصصی اعتبارات سالانه به فرمانفرما، به منح‌ها به هدیش‌راسکوحا، و به صدها دلار دلان استعمار و نورکان شاه سابق اجازه میداد در تمام مناقصات بزرگ کارهای عمرانی و ساختمانی و فعالیتهای تولیدی بزننده اول باشند و با غارت و چپاول خزانه مملکت که درصدها بیشترش از فروش نفت خام به دست می‌آمد نیروهای آنجانی فراهم سازند حالا انقلاب شده روابط گذشته جای خود را به ضوابط انقلابی سپرده و باید که از چنین اسرافها و ریختن پاش‌ها جلوگیری شود... باید که پول مملکت خرج عمران و آبادی کشورمان گردد و باید که به رفاه جامعه اندیشیده باشیم اما این بدان معنی نیست که آنچنان بی‌توجه و بی‌آنچنان انقلابی بودن را درامساک نامعقول بنداریم که اجازه ندیم از همان شکاف سوزنی که گرهی از تروت مملکت به تاراج و غارت میرفت امروز حتی نخ نازک وصله وپینه خرابیهای ناشی از انقلاب را نتوانیم بهم بنویسیم. جلوگیری

توسعه هنر

بقیه از صفحه اول باور داشتیم که در فضای آزاد مبین‌همه ناسامانی‌ها سامان می‌یابد و حاکمیت‌مملی استقرار پیدا می‌کنند. ما به سیر و عجلوانه که آرام روی دغدغه خرابی‌ها را جبران خواهیم کرد. ترس و تردید و تبعیض را ازین برخواهیم کشد و به جبران آن‌سرواکنندگی‌ها زین بارقام آن ستم پیشگان خم شدن‌ها، قدر برخواهیم افراشت به بلندی آسمان و به راستی زندگی دیگری نخواهیم گذارد نشانی از آن زمانها خودنمایی کند. امروز وقتی بر بلندی می‌ایستی و به گذشته می‌نگری، نه گذشته دوری هفت ماه گذشته، دلت به حال باور کودکانه‌ات می‌سوزد و چنان توماری از کج سلیقگی‌ها، بداندیشی‌ها، کم‌کاری‌ها، بمعامل کردن‌ها، انحصار طلبی‌ها که ترا در خود می‌نوردد که فریاد بر گلویت می‌نشیند و دانه اشک برچشمیت می‌نشانند. هرگز نواپی سر داده و ادعایی خاص خود دارد، هر دستگاهی حاکمی‌است مطلق که جلو مرزش را دستگاه دیگر معین نمی‌کند. این یکی جزئی اعلام می‌دارد و دیگری آنرا نطق می‌کند. بی‌هیج‌بانه‌ای و هیچ دیلی. هیچ رشته‌ی منطقی میان آنها وجود ندارد و آنها را بهم بیوند نمی‌دهد و چون چنین جریان تولید کننده و سراسر‌آوری بدایع‌ال مردم که به امروز دل بسته‌اند و فرودیشان را بازوایهای رنگارنگ رقم زده‌اند! هرشهری سیاسی و هر سیاست‌مداری‌رای و دران جنجال ملوک‌الطوائفی چه بر سر ابله‌مان خواهد آمد خدایند! و بدتر از آن چه بر سر ایرانیان خواهد آمد؟

از دزدی و فساد و اسراف و تیزیربعثای جلوگیری از اجرای برنامه‌های ضروری و فوری نیست. امروز که مملکت به آسیب اقتصادی ناشی از انقلاب دچار شده، امروز که سیل بیکاران همه را بوحشت افکنده امروز اگر رنج گرمی انسان بیکار را نادیده بگیریم و ندانیم که فردا با موج عیبان و پرخاشگری او... چه خسواییم کرد... و در این اندیشه نباشیم که چگونه میتوانیم آثار شوم بیکاری را از جسمهه بزدانیم... پس کی باید بسخود آیم. من نه‌دانم آقای وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه خود یک شب سر گرسنه به‌راحت نپاذه است؟! آیا شده روزی که صاحب خانهاش با يك مامور اجرای آیت و با در دست داشتن حکم تخلیه خانه قصدخارج ساختمان‌تالیث ایشان را کرده باشد؟! آیا ایشان که مسلما از قطع بی‌موقع برق س‌ر‌شرب خانه‌شان داد و فانشان به‌آسمان می‌رود و اگر بخود آید شاید بداند که عدم اختصاص بودجه لازم دارد همین‌دستگاه را نیز به سکوت و سکون می‌کشاند، شده است که بدلیل نپرداختن پول برق‌مأموران وزارت نیرو بخانه‌شان آیند و برق‌شان را قطع کنند؟! مسلما خیر اگر کسی با درد بیکاری و باهم ریختن نظم زندگی داخل‌خانه خود آشنا بود بيشک‌با درد جامعه و میلیونها خانوار ایرانی آشنا میشد فارغ‌التحصیل

بیکار به هر وزارتخانه و سازمان وابسته بدولت می‌رود تا تخصص خود را بخدمت‌نهد با يك پاسخ روبرو میشود... اجسازه استخدام نداریم... بودجه نداریم این‌لارغ- التحصیل متخصص است مهندس است، تکنیسین است به يك واحد صنعتی یا شرکت ساختمانی برای کار مراجعه میکند پاسخ می‌شود کارها خوابیده... از دولت طلبکاریم بما نمی‌دهد، وسائل یدکی نداریم گشایش اعتبار واردات کالا انجام نمی‌پذیرد دولت به ما کار نمیدهد کار ساختمانی و راهسازی را گذاشت تازه‌اگر دولت‌چاردای نیاندیشد تا یکی دو ماه دیگر باید خودمان هم بیکار شویم... کارما تعطیل است... و از این حرفها... که فارغ‌التحصیل متخصص بیکار جویدی کار تازه درد خودش را هم فراموش میکند و سستی درد جامعه را هم بر دوشش حس مینماید چنین بی‌توجهی باعث میشود که کارگر بیکار یکی دو ماه بامید شروع کار صبر انقلابی پیش بگیرد ولی این کلده این لغت نمی‌تواند تا زمانی دران پاسخشوی صاحب‌ملک و اداره برق و سازمان آب و شکم زنبوجسه باشد دست بدمان اداره کار میشود عصبانی، ناآرام، عیج‌ازده و نگران آینده... اداره کار هم

نمایشی زشت

دلت را پراژ نم . بقذا این منظره‌ها ازماجهری یکللمت وحشی و کاشنی دردنیای می سازد . تبلیغات دشمن کافی نیست که خود مامم به‌گمش دشمن کنیم ؟؟ به قول حجت‌الاسلام احد خبثی علت را دردیابید و باآن مبارزه کنی نه‌معمول را. فقر فرهنگی واقتصادی راز میان بردارید آموزش های زشت دوره استاد را از بین ببرید آنهم جانشین کردن آموزش های درست و انسانی و اسلامی نه باخوشتو دشمنی را خرد کردن ستم را پایان دهید. تضاد هارا از بین بردارید ،خواهید دید که دیگر کسی تن به‌فحشا و خودفروشی نمی‌دهد. باشکم گرسنه ، تن عریان ، خانه سرد و خاموش ، دل بی امید و فردای تاریک‌تنی توان‌سالم زیست و اخلاقی اندیشید ! آقایان،مسلمان واقعی نخست این‌ب‌بدیعتی‌ها را از میان برمی‌دارد . سپس به داوری می‌نشیند و کیفر می‌دهد!

که اجباری در کار نیست و حجت‌الاسلام خمینی خیلی روشن و دقیق اعلام می‌کنندن را مجبوره داشتن حجاب نباید کرد-اوقات دهرودشت شیر بال‌خوردهای فرمان میدهد هیچ دختری بدون حجاب به مدرسه راه ندارد . با این وضع معشوش و دردم به کجا می‌رویم ؟! چه از جان انقلابان-می‌خواهیم ؟! چه نقشه‌ای برای آینده در سر داریم ؟!

شما را بقذا يك نفر ، يك دستگاه خودرا مسئول بشناسد و پاسخ دهد ؟

جبهه‌ملی

بنابوظیفه‌اش بقول خودشان شورانی دارند حل اختلافی دارند می‌آیند... می‌نشینند رای میدهند فلان مبلغ بعنوان خسارت اخراج میشدند... اما کارفرما کیاست که کارگر خسارتش را وسوئل کند روی خود را اجرا میکند، مامور بگیرد دریندب‌حال کارفرما میگردد اما کارفرما یا ازوابسته‌ها بطلاغوت بوده که خود و سرمایه‌اش هر دو را از کشور خارج ساخته و یا اگر هم کارفرمای است که در کشور مانده تفران و چشم انتظار کمک دولت آبی در بساط ندارد غرامت یکسود دمسد و هزارکارگر بیکار اخراج شده را بپردازد تازه حرف او این است که دولت و سازمان برنامه مطالبات مرا بدهند و یا کمک کنند به من کار و اعتبار بدهند تا من کارم را شروع کنم.

ببر تقدیر با پوش از دخالت در تازه کردن داغ این بانوی محترم که هرشامگاه شوهرش راخسته و شرمسار از پیدانکردن کار در گوشه اتاق می‌بیند و نمیداند شوهرش چگونه در آغاز شروع کار مدرسه بتواند کتاب و دفتر و کیف و کفش و لباس فرزندان محصل‌اش را تهیه کند بدلیل اینکه غول بیکاری استارت حشیری دولتمردان حیات حاکمه برای پیشگیری از عوارض‌بعثی آن باید باشد تا زیر شدم این مطلب را بنویسم بدولت، بخصوص سازمان برنامه هشتاد دهم که همراه با زنگ شروع کار مدارس زنگ خطر جامعه هم بصدا درآمد و شاید پنجره‌های بسته اتاق کساد شما و همکارانتان نمیدارد صدای این ناقوس هراس‌آور را بشنوید شما بهتر از من به عواقب وحشت‌آور این بلیه باید بیاندیشید اگر امروز عارضه بیکاری تا سر حد صبر انقلابی با فروختن کاسه و بشقاب و فرش - رادیو ممکن است معالجه آبی شود فردا معالجه این بیماری مژمن‌مکن است بافروش فرهنگ و هویت و استقلال ملی بهم‌آمیزد. این شوخی نیست بتاريخ تباه ملت‌هایی که با مشکل بیکاری روبرو بودند نگاه کنیند رنجور و بی‌امید شکم‌گرسنه و چشم نگران آینده چنول ارزش‌ها را دردم می‌زدورزی فرا می‌رسد که يك گرسنه همراه با صد گرسنه و این صدها با هزارها و همه آنها در گروه میلیونها عوارضی را برای شما و برای ما و برای مملکت بیاد خواهند آورد که با هیچ تدبیری به جنگ تقدیری که خود ساخته‌ایم نتوانیم بپردازیم بیاییم بهصداق سرچشمه شاید گرانتن به‌بیل، چه بر شد نشاید گذشتن زبیلی... تا زبانه‌بیش از این گریبانگر اقتصاد بیچار ما را برز حققان و انهدام نشرده است عقلاانه درپی چاره‌اندیشی شویم و مسئولیتها را به گردن و گناه دیگران نیانکنیم. علی محمد کشاورز، بازنشسته‌ای که فرزندان از بیکاری رنج می‌برد.

بیایم به اینه‌مه ساخته‌ان و جاده‌های نیمه تمام نگاه کنیم و کارگران را بکار بازگردانیم

تكرم را متوجه وزیر کار و بتسر بگویم متوجه وزارت کار کردم به جستجوی اینکه وظیفه این وزارتخانه در مبارز غول بیکاری چیست؟ بدین جا رسیدیم که وزارت کار طرح و برنامه‌ای در دست ندارد تا بتواند جنب کننده واردشوندگان بازار کار باشموظیفه این وزارتخانه تنظیم رابطه صحیح بین نیروی کار و نیروی سرمایه... یعنی دو عامل اصلی تولید است...

تنظیم رابطه صحیح و مطلوب که در اثر اجرای قوانین کار و تامین اجتماعی روابط کار مزد، ساعت‌کار و تعهدات کارفرما در قبال کارگر و حمایت‌هایی که باید نیروی کار را در مقابل خطرات احتمالی ناشی از کار مصون و ایمن دارد

یابنده ایران ای آفریندگاریك ترا پرستش می‌کنیم وازتواری می‌جویم

تلگرام تسلیت

باجه آرام کنیم دیدو دلرا چکنم دل‌ترا مظلبد دیده‌ترا میجویه مرد قلبهای ایرانیان رفت . اوکه دستش پشتو پناه بی‌پناهان بود اوکه کلام نافذش حیات‌بخش وقلیش اقبانوس عمیق‌رحمت برای‌ما بود اوکه می‌دوینا ایرانی آرمان‌ها و آرزوهای گمشدو بعدشان رادر برق چشمان نافذش مومکن میدیدند

اوکه درصفا فریب‌دور وفا عمیق بود. چریک‌ترین چریکها ، متفکر بی‌هم‌او انلابی راستین درگذشت با قلبی‌ریش‌چشمه‌انی خونیبار وقاری عمیق درگذشت مجاهد نستوه حضرت آیت‌الله سلیم‌محمد طالقانی راه پیشگاه ملت شریف ایران به‌حضور امام‌خمینی وخانواده ارجمندان بزرگوار تسلیت‌می‌گوییم.

شهریور ۵۸ دفتر پرون‌مرزی حزب ملت‌ایران بخش آمریکا

نغمه‌های شوم

بقیه از صفحه اول خارج انگلستان شروع شد و جای تعجب است که عراق صحبت از نفوذ امپریالیست در منطقه می‌کند.

در اینجا لازمست که تصمیم به موقع و مدبرانه دولت را برای انجام مانور نیروی دریایی ایران در نیلگون آب خلیج فارس باسداریم. زیرا گرچه ایران قصد ندارد ژاندام منطقه باشد ولیس اجازه نخواهد داد که آبهای خلیج فارس این درای ایرانی جولانگاه قدرت‌های استعماری شود.

آنچه ما به آن معتقدیم حفاظت از خلیج فارس تنها به عهده کشورهای این منطقه است بدون هیچگونه اعمال قدرت خارجی.

بدنیست که دست نشانگان استعمار آگاه باشند که خلیج فارس، خلیج فارس است بدون هیچگونه تغییر نامی و هر ایرانی مبین‌پرست برای حفظ مرزهای آبی ایران باخود گمرازه‌ای نیست و در زمین ایران تا آخرین قطره خون خود را نثار خواهد کرد.

دردو بر شما نوابان دلاور ایران‌زمین که برجم سه رنگ مبین را در نیلگون آب خلیج فارس به اهتزاز در آورده‌اید. دودو به نیروهای ارتش ملی ایران. زیرا حرکت حساب‌شدهی شما پاسخ دندان شکنی به نغمه‌های شوم استعمار در خلیج فارس است و بداندید که فرد فرد ایرانیان حامیان راستین شما هستند.

جبهه ملی ایران

سردبیر: پروانه فروهر

زیر نظر شورای نویسندگان

خیابان سینت شماره ۲۶ - طبقه سوم
تلفن: ۸۹۸۲۱۷

جای گوشه ۳۱۸۵۶۶-۵

تکلیف کمیته‌ها را زودتر روشن کنید

ایتمیل جیب استیشن آبی رنگ به‌شماره ۱۶۲۱۵ تهران ۲۲ ساعت در جاده بزرگراه حرکت می‌کرد این اتومبیل چراغهای گردان پلیس را همراه با بلندگوی پلیس در بالای سقف داشت و داخل آن افراد کمیته نشسته بودند. آنچنان از سمت راست اتومبیلها حرکت می‌کرد که جلب توجه همه را کرده بود.

در ردیف جلوی اتومبیل سه نفر نشسته بودند و در ردیف عقب دو زن چادری که کاملاً مشخص بود نمی‌توانند افرادی نجیب باشند و پشت سر آنها دو نفر دیگر نشسته بودند و چون نشیمن پشت چپا استیشن کاملاً پائین آمده بود بخوبی داخل اتومبیل مشخص بود. افرادی که در ردیف جلو نشسته بودند چیز هائی می‌گفتند و همگی با خنده های آنچنانی کنترل تعادل بدن ای

تولیدی و اداری است آیا کشور مابعدبشمهای متعدد انتظامی نیاز دارد که پاسداران انقلاب اسلامی، شهربانی، ژاندارمری، کمیته و امنیت ملی تشکیل دهیم و آیا دولت قادر نبوده است که سازمانهای تازه تشکیل شده را در واحد های انتظامی ادغام کند که حداقل برای تسکیلات و سازمان دادن نیاز به صرف هزینه های زیاد نباشد!

شاید عنوان شود که دولت هزینه کمیته‌ها را تامین نمی‌کند، بپرحال از هر محلی که این کمیته‌ها از لحاظ مادی تقدیه می شوند می توانستیم به بهبود وضع کشور برسیم. در صورتی هم که گفته شود هزینه اداره کمیته‌ها بسیار کم است باید نتیجه گیری شود که به اعضای کمیته دستمزدی معادل کار

برای انجام هرکاری مزدواری در نظر گرفته شده است که یکی از آنها اجراوری است ولی این اجر نمی‌تواند مخارج زندگی یک فرد را تامین کند در صورتی که دستمزد مالی هم در مقابل کار پرداخت نشود جایگزینی برای آن باید در نظر گرفت که اگر مادی هم نباشد انواع دیگر از قبیل کسب قدرت، اعمال آن واحیاناسوعاستفاده از قدرت خواهد بود که نمونه های همه انواع جایگزین دیده شده و خود دولت هم اطلاع کافی دارد. تاکنون مردم به احترام انقلاب سکوت و تحمل کرده‌اند و کم کم هنگامی که متوجه می شوند، تمامهای مسئول کشور و رهبری انقلاب هم اعتراض دارند که افراد نامصلحی هم در کمیته ها جای گرفته‌اند و دولت در این مورد اقدام نمی‌کند خود مردم دست‌به‌این کار خواهند زد که عواقب بسیار بدی دارد و باز چه به روحیه‌ای که در نزد بسیاری از افراد کمیته قوت گرفته است ومواردی از آن بیان شد ادامه کار این افراد تهم با این نحو که در حال حاضر وجود دارد اعتماد مردم را نسبت به دست اندرکاران حکومت کاهش می‌دهد و باز دست رفتن ایمان انقلابی دیگر انگیزه‌ای برای ادامه‌ی راه انقلاب باقی نخواهد ماند.

هزینه‌ی اداره کمیته‌ها از کدام محل تامین می‌شود و تاچه زمانی اعضای کمیته تنها برای اعتقاد خود کار می‌کنند

است که اصولاً هزینه کمیته‌ها از کجا تامین می‌شود و چرا هنگامی که دولت از مردم می‌خواهد صرفه‌جویی کنند وسازمان برنامه با این صرفه‌جویی‌ها مرتب مشغول ضربه زدن به واحد های مختلف آموزشی، پرداخت نمی‌شود و در این صورت چگونه از افرادی که مدتی پیش از هشت ماه درآمده کافی برای اداره مخارج خود نداشته‌اند انتظار داشته باشیم که بدون کوچکترین خلائی به کار خود ادامه دهند؟!

پایبند ایران ای آفریدگار پاک! تو را پرستش می‌کنم و از توباری می‌جویم

دانش آموزان، فرزندان عزیز ایران

امروز شما نخستین سال تحصیلی خود را در دوران افتخارآمیز انقلاب اسلامی ملت ایران آغاز می‌کنید و در پیوند با این روز مبارک و باشکوه، ما به شما فرزندان عزیز ایران، با احترام و مهر و دغدغه‌ی فراوان، آرزوی موفقیت و پیشرفت را می‌گوییم. بدین مناسبت، می‌خواهیم به شما دانش آموزان عزیز، یادآوری کنیم که شما در این دوران، علاوه بر تحصیل، باید به خودتان توجه ویژه‌ای داشته باشید و با رعایت حقوق خود، به عنوان یک شهروند مسئول، در جامعه‌ی ما نقش‌آفرینی کنید. امید است که با پشت‌پا و تلاش، بتوانید در آینده، به نفع و سعادت کشور عزیزمان، سهم‌گه‌ای داشته باشید.

امروز شما نخستین سال تحصیلی خود را در دوران افتخارآمیز انقلاب اسلامی ملت ایران آغاز می‌کنید و در پیوند با این روز مبارک و باشکوه، ما به شما فرزندان عزیز ایران، با احترام و مهر و دغدغه‌ی فراوان، آرزوی موفقیت و پیشرفت را می‌گوییم. بدین مناسبت، می‌خواهیم به شما دانش آموزان عزیز، یادآوری کنیم که شما در این دوران، علاوه بر تحصیل، باید به خودتان توجه ویژه‌ای داشته باشید و با رعایت حقوق خود، به عنوان یک شهروند مسئول، در جامعه‌ی ما نقش‌آفرینی کنید. امید است که با پشت‌پا و تلاش، بتوانید در آینده، به نفع و سعادت کشور عزیزمان، سهم‌گه‌ای داشته باشید.

سخنی با آموزشگران

بقیه از صفحه اول

جوابگوی نیازهای جامعه، آموزش پاسخی به چوهر وجدان آگاه یعنی ابراز مقاصد است و کوشش می‌نماید تا ارتباط‌های دو جانبه را اشاعه دهد.

این نوع آموزش شامل اقدامات شناخت دهنده و نه اطلاعات داده شده می‌باشد. مدرس، جهان و مافیها را به‌عنوان مساله‌ای طرح می‌کند و خود و دانشجو بطور متفق به تجزیه و تحلیل و حل آن می‌پردازند. معلم و شاگرد مساوی و در حال همکاری هستند. در این نظم فعالیت معلم و شاگرد دوگانه نیست و تقسیم نمی‌شود، یعنی معلم در یک نقطه شناختگر و در نقطه‌ی دیگر گوینده نیست و بدینگونه پیوسته در حال یادگیری بسر می‌برد.

موضوع‌های مسوردشناخت را در تعلق خود نمی‌ندارد و موضوعاتی را که باید مورد انتقاد خود و شاگردانش قرارگیرد جلوه می‌دهد.

معلم یا مربی مساله‌نگر دائم در حال دوباره شکل دادن به انعکاس‌های فکری خود در بازتاب‌های فکری دانشجو است. افکار معلم منجمد نیست، دائماً با تغییرات فکری و انعکاس‌های عقلانی دانشجویان را می‌پذیرد و بدین سبب پیوسته در حال تحول و دگرگونی است.

نقش او خلق کردن است با همکاری دانشجویش.

دانش را از سطح سخت و انعطاف ناپذیرش به درجه حقیقت و قابل لمس و سطح نوینی از معرفت اعتلا می‌دهد.

در چنین فضایی دانشجو با مسائل جهان مربوط است و نیرو و خود را با آنجا می‌بندد که مشکلات را پاسخ گوید.

وجود انسان در چنین نظامی به‌عنوان موجودی در حال تکامل یا واقعیتی ناتمام مورد تألیف قرار می‌گیرد و برای ادامه‌ی زندگی ارتباط دائمی تقاضا بین تسببات و دگرگونی ضرورت است.

معلم و شاگرد در یک وحدت روحانی و اخلاقی بسر می‌برند. شالوده‌های روحانی چنین وحدتی دائماً آنها را به خدمت و اندوختگی متقابل و به‌گه‌گه و تقاضا رهنمون می‌گردد. انتقاد مسئول موردقبول واقع می‌شود. و بطور کلی شالوده‌ی کار بر مبتنی مشارکت‌نهاد می‌شود.

امید که معلم در هر مقطعی از تحصیل، کلاس را به چنین محیط سازنده و پویایی بدل سازد و الگوهای گذشته را تمامی‌بنود ریزد و زندگی فردای فرزندان می‌پسند را مفهوم واقعی بخشد.

کلاس تنگ و تاریک و تخته سیاه رنگ‌سور و رفته‌رنگی اگر چو حاکم بر آن انسانی باشد و مبر بر آن سایه گستر، شاگردی براحتی تحمل نمی‌کند و کمبودها را دست مبربان معلم و کلام دلنشین و رفتار انسانی او جبران نمی‌نماید.

حالا که همه چیز بر جای خود باقی است و در بسیاری موارد کلاس‌های قابل تحمل از نظر تعداد دچار انباشتگی شده‌اند، بی‌انگیزگی از در شیوه‌ی کارمان نمایان سازیم و با ریختن طریحی نو، تاب‌سوی فردای ایران را با رنگ‌های درخشان و روشن و شاد و بخش‌ترمیم کنیم.

آزیر، گذشتن از چهارراه آخرین عمل خلاف راهم انجام داد و کسانی که تمام مسیر راه ناظر خفاکاری های این اتومبیل بودند نشیسه های اتومبیل خود را باین‌آورده و باهمدیگر صحبت می‌کردند و گاملاً مشخص بود که چه می‌گویند!

چندی پیش هم هنگامی که چند ۳۰۰۰ بدست کمیته اتومبیلی را که راننده آن یک زن بود در خیابان فرشته واقع در محله‌ی ماحصره مشاهده کرده بودند و دیگر مردم را که می‌خواستند بعنوان میانجی در این اختلاف شرکت کنند با تهدید اسلحه کنار می‌راندند و با پشتیبان کلمه «فلاط کردم» که از سوی راننده زن همراه بارش اشک بارها تکرار شد راه خود را پیش کشیدند و رفتند و موج‌عصبانیت را در بین مردم باقی گذاشتند.

هنگامی که افراد کمیته پراکنده شده‌اند اهالی محله این زن را که بشدت مشتنج شده بود به خانه بردند و اوعلت این محاصره و حمله را اینطور شرح داد که درین راه بعلمت آرام رفتن اتومبیل کمیته که پشت سر او مانده بود مدام بسوق می‌زند و هنگامی که راهی از کار اتومبیل این زن می‌یابد با

مردم تاکنون به احترام انقلاب در باره خلافکاری کمیته‌ها سکوت کرده‌اند

استیجایی هم امکان پذیر نیست. این اتومبیل که روز پنجشنبه هفته گذشته در بزرگراه حرکت می‌کرد هنگامی که به چهارراه جردن، بزرگراه رسید و چراغ قرمز بود باکشییدن

اگر چنین مواردی را هم باید مجازات اعلام در برابرش نهاد هر روز باید شاهد تیرباران بسیاری افراد باشیم. مگر آنکه بپذیریم جرمهای دیگری بر این عده تعلق می‌گرفته است که اینک زمان فاش شدن آنها نبوده است در غیر این صورت مردم

چون کسی مسئول هستند و اگر هم با تهدید موضوع از دیگر مردم مخفی نگام داشته شود آیا مسلمان واقعی ترس از خدا ندارد.

اصولاً چرا هنوز یکی از مقامهای رسمی یا غیر رسمی در این کشور پیرامون

مجریان قانون

بقیه از صفحه اول

نمی‌دانند از چه مقامی بپرستند که آیا حقیقت ماجرا و جرمهایی که اعدام شدگان مرتکب شده‌اند از مردم کتمان شده است و یا فرمان امام نادیده گرفته شده است. اعدام یک نفر در کردستان که مدت چهار سال بر اثر سخته مغزی کنترل زندگی خودش را از دست داده بود و حتی در زندان کردستان مأموران از همسرش خواسته بودند در کنار او بماند تا رفع مشکلات او را کند به این جرم که مرتکب زناشده است و یا مردم را کور کور کرده است و اعدام دو سناتور که در هیچکدام از رسانه‌ها مطلبی پیرامون ارتکاب به قتل آنها قید نشده است مردم را دچار این تصویر می‌کند که بعضی حقایق از آنها مخفی شده است، زیرا حتی اگر گفتگوی حاکم شرع را بپذیریم که پس از اعدام استاندار کردستان می‌تواند بر حمل مجرمان با برانکار دوسیس اعدام آنها این موضوع را تکیه کرده است و دلیل اعدام یک نفر را ساختن حمام در یک دهکده بدون حمام عنوان کرده بود و موضوع را به آمان شاه و بالین و حوام کردن آنها در این گرمابه مربوط کرده بود باز هم دلیل برای کشتن یک فرد به‌رغم فرمان امام کافی نیست زیرا اگر چنین کارهایی برای اعدام کافی است «اوریان» فالچی» هم که یکبار باشاه مصاحبه کرده بود باید بعضی ورود اعدام می‌شد امام خمینی در یکی از گفتارهای خود گفتند «می‌گویند شاه می‌خواهد بیاید، باید» «نکنه مهم این جاست که نیازی نیست کسی که برای آمان شاه حمام ساخته است که برای مثال شاه پس از استععام در مرز وارد کشور شود تیرباران کرد، بگذارید شاه بیاید آنوقت مردم خودشان می‌دانند چگونه انتقام این همه خیانت و جنایت را که او موجب شده است بگیرند. ملتی که آنچنان در بند گرفتار بود که از همه جا غافل شده بود انتقام ناپسانمانی» هائی را که او بیرون بیاورد راه نهد بود خواهد گرفت، لیکن هر موردی را بپانهای برای اعدام تلقی نکنیم.



آیا شلاق زدن به یک مسلمان ایرانی ضرورت دارد و آیا با یک خطا می‌توان یک انسان را نامسلمان یا غیر ایرانی خواند.

چگونه خیال راحت دارند که مسئولان، فرمانهای امام را بطور کامل رعایت می‌کنند.

از سوی دیگر فرزند امام حاج سید احمد خمینی در یک مصاحبه عنوان می‌کند که باید با علت جنگ و معلول را تا بر طرف کردن علت آزار نرساند و در همان روزها شلاق زدن، تیرباران کردن، و باز هم تنبیه بدنی یک زن مرد در رادیو تلویزیون و مطبوعات به چشم و گوش مردم رسیده و واکنش مردم هم حتماً و بطور متقابل به آگاهی همه دست‌اندرکاران مملکتی رسیده است.

چگونه می‌توانیم یک زن را شکنجه‌دهیم و شلاق بزنیم بدون اینکه اطلاع داشته باشیم که آیا این زن حامله است یا خیر و اگر بر اثر شلاق خوردن سقط جنین رود داد کمیته در شهرستانها می‌شود و در رسانه‌ها بود که ۱۵ زن و مردم به اتهام روابط نامشروع و مشروب خواری به ۱۰۳۰ ضربه شلاق محکوم شدند ولی صحت آن مشخص نیست.

مدتی بود که سعی می‌کردیم خود را از دوران شتاب زده انقلاب دور کنیم و بیشتر بر اساس ضوابط کارها را انجام دهیم. لیکن معلوم نیست چه اتفاقی روی داد که یکباره همه‌ی ضوابط جای خود را به همان شتاب زدگی داد تا آنجا که دستور امام برودیم و راهی را پیش گرفتیم که موفقیت ما در دوری از آن بود.

تهنیت

نشریه درفش چشمگیر و زیبا و ساده همراه نخستین «مهر» آزادی بگونه‌ی پیام نسل پیکارگر امروز با نیایش با شکوه «آفریدگار پاک» و زیور جاودانه‌ی نام ایران گام به‌دنیای مطبوعات نهاد. کوشش یاران جوان و پرشور درفش در تنوع مطالب این نشریه پرورشنی نمایان است.

در فضای مهین رها شده‌ی ما، جای نشریه‌ی دانش‌آموزان ایمن سربازان راستین انقلاب که روزهای شهادت و گلوله‌باران، روزهای سرد به صفا ایستادن نان و نفت و شبهای توطئه و مرگ، نمایش با شکوه دلآوردنیاشان را به تماشا نشستیم بس خالی بود و درفش با صلابت نامش این خلاء را چه به‌هنگام پرکرد.

با درود به این همکاران جوان، امید داریم این تلاش پی‌گیر گامی در راه همبستگی نیروهای دانش‌آموز می‌باشد.

مهلی